

روزنامه هنر • علم	
فعالیت‌های علمی هفته فضا در گفت‌وگو با «احمد دالکی»	صفحه ۸
شناخت کامل‌تر فضا و برنامه‌های فضایی در آستانه هفته جهانی فضا	صفحه ۸
بررسی منابع در آمد لیدرهای فوتبال	صفحه ۱۰

تابلوی کلمات

نشانه‌های «امید» بر بوم‌ها و دیوارها



مرتضی کاظمی
مشاور اقتصاد فرهنگ و هنر وزیر ارشاد

موفقیت گالری گلستان در برگزاری نمایشگاه «۱۰۰ اثر، ۱۰۰ هنرمند» در کنار موفقیت‌های هنر ایران در یکی، دو سال اخیر حاوی نشانه‌هایی بارز از تحولاتی است که در متن هنر ایران در حال شکل‌گیری است. در این یادداشت کوتاه علاقه‌مندم به بعضی از این نشانه‌ها اشاره کنم.

اولین نشانه دلیلی است بر امواج تحولات فرهنگی که چند سالی است شروع شده و به‌طور گسترده و فراگیر دیده می‌شود. این تحولات نشان از آن دارد که فرهنگ را دیگر به‌عنوان پدیده‌ای هزینہبر و غیر اقتصادی نمی‌توان قلمداد کرد و اتفاقاً باید فرهنگ را به‌عنوان یک محرک اقتصادی و تأثیرگذار ببینیم. درواقع این نشانه، هشدار و در عین حال نویدی است به‌مسوولان و برنامه‌ریزان کشور که رویکردشان را نسبت به فرهنگ اصلاح کنند و به ظرفیت‌های اقتصادی فرهنگ و هنر مملکت توجه داشته باشند.

نشان دوم تحولات فرهنگ در عرصه‌های سیاسی واجتماعی است. به نظر من این موفقیت‌ها ثابت می‌کند فرهنگ ما به نیروی جدید در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کشور تبدیل شده است. شواهدی از آن را می‌توانیم اینگونه ذکر کنیم که «انتقال فرهنگ و هنر از حاشیه به متن زندگی مردم ما در ایران شروع شده است.» این نکته به‌این معناست که هویت ملی ما رو به تقویت است و نقش فرهنگ در تثبیت امنیت ملی روزبه‌روز بیشتر می‌شود و توجه مردم ایران به ارزش‌های فرهنگی خودشان به‌عنوان یک ثروت معنوی در حال افزایش است. این تحولات با شروع دوران جدید حیات سیاسی واجتماعی ایرانیان بعد از انتخابات مرداد ۹۲ باعث شده که نقش و سهم فرهنگ در شکوفایی، ذوق، اندیشه و ادراک زیبایی‌شناسانه مردم ما بیش از پیش خودش را نشان دهد.



نشانه دیگر از منظر هنری است. این موفقیت‌ها به‌ویژه همین موفقیت اخیر گالری گلستان نشان می‌دهد که هنر ما اگرچه قبلاً هم واجد ارزش‌ها و قابلیت‌های فراوانی بود اما این ارزش‌ها و قابلیت‌ها شناسایی و معرفی نشده بود و جامعه ما از آن بی‌خبر بود. جامعه ما آرام‌آرام ارزش‌های خودش را به رخ می‌کشد و امید می‌رود در طی سال‌های آینده به یکی از بازیگران اصلی صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تبدیل شود.

شود دیگر درمورد مدیریت فرهنگی است. موفقیت خانم لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان در برپایی نمایشگاه ۱۰۰ اثر، ۱۰۰ هنرمند نشان می‌دهد که اگرچه گالری‌داری در مملکت ما عمری در حدود ۶۵سال دارد و آغاز آن در مهر ۱۳۲۸ با تأسیس گالری آبادانا توسط استادانی چون محمود جوادی‌پور، حسین کاظمی و هوشنگ آجدانی شروع شد- و البته در طول این ۶۵سال فرازنوشیب‌های فراوانی داشته- اما تاکنون هیچ‌کس به اسم گالری در این دوران وارد مرحله جدیدی شده است. در واقع مدیریت گالری در مملکت ما در استانداردهای جهانی امروز مطرح می‌شود و ایسن را باید به مدیران گالری‌ها تیریک گفت.

این موفقیت یک پیشرفت در ارتقای مدیریت فرهنگی کشور به‌ویژه در عرصه هنرهای تجسمی و نهاد مهم گالری در بخش خصوصی به‌حساب می‌آید که باید آن را تبریک گفت. به‌خاتم لیلی گلستان که سابقه بسیار درخشان و طولانی در این پدیده دارند (که شائشان فراتر از یک مدیر گالری به عنوان مترجم و نویسنده‌ای مجرب، چهره‌ای شناخته شده در جامعه هنری کشورمان است) و هم به جامعه تجسمی ایران.

نشانه آخری که فکر می‌کنم این موفقیت‌ها با خودش دارد حاکی از ورود هنر ایران به صحنه جهانی هنر است. خود دارید امروزه فرهنگ و هنر یکی از الگوهای جدید رشد اقتصادی کشورهاست. اقتصاد فرهنگ یکی از بازیگران اصلی عرصه‌های اقتصادی است. صنایع فرهنگی با رشد چشمگیری که داشته حامل و ناقل ارزش‌ها و مفاهیم و مباحث جدید در حوزه‌های اندیشه، فلسفه و حکمت است. جای ایران، هنر ایران و هنرمندان ایران در صحنه‌های جهانی مدت‌هاست که خالی است ولی خوشبختانه با موفقیت‌های اخیر شناخت جهان نسبت به هنر ما به‌خصوص در عرصه هنرهای تجسمی روزبه‌روز در حال افزایش است و این نشان می‌دهد هنر مملکت ما توانسته با گام‌های بسیار وزین و موفق وارد این صحنه شود. من به شخصه پیش‌بینی می‌کنم در آینده نزدیک حداقل در سطح آسیا خواهیم توانست یکی از بازیگران اصلی عرصه‌های هنری باشیم. از این جهت فکر می‌کنم مسوولان، هنرمندان و مردم ایران باید این نشانه‌ها را جدی بگیرند. این نشانه‌ها وظیفه و مسوولیت همه ما را سنگین‌تر می‌کند. ظرفیت جدیدی که در مسیر هنر ایران در حال شکل گرفتن است نیازمند حمایت همگی عواملی است که ذکر کردم و طبعاً با شایستگی‌هایی که همه جای مملکتمان سراغ داریم می‌توانیم امید داشته باشیم که روزبه‌روز هنر ما پله‌های نردبان ترقی را ببیماید و در سطح جهان بدرخشد.

شماره ۳۴

راه رفتن روی کمر مار



پرویز براتی

لیلی گلستان به جتگندگی شهرت دارد. کارش در عرصه گالری‌داری توام با تنش‌های مختلفی بوده؛ و جالب اینجاست که پیروز میدان، همیشه خود وی بوده است. گالری‌داری از آن نوعی که گلستان با آن درگیر است شبیه رامرفتن روی کمر مار است. او همیشه در پاسخ به این سوال که آیا این حرفه به این‌همه رنج و تعب می‌آرد؟ جواب می‌دهد که معرفی کردن جوان‌ها برای او لذت‌بخش است. همیشه می‌گوید: «کیف می‌کنم وقتی جوانی را پیدا می‌کنم، از او حمایت می‌کنم تا وارد جامعه هنری شود و معروف شود.» این روزها او در گوشه‌ای از تهران، در منطقه «دروس» همچنان با گالری‌اش، در فضای معاصر تجسمی ایران و منطقه اثرگذار است. لیلی گلستان سال‌هاست به‌تنهایی این گالری را اداره می‌کند، گالری‌ای که زمانی یک کتلفروشی بود. او که فرزند ابراهیم گلستان، نویسنده مطرح ایران مقیم بریتانیاست، قبل از تأسیس گالری در سال ۱۳۴۷ به مدت هفت سال گاراژ منزلش را به کتلفروشی تبدیل کرده بود و کتاب می‌فروخت. آن زمان مصادف با بعد از انقلاب سال ۵۷ ایران بود و گلستان کتلفروشی‌اش را تعطیل کرد و تصمیم گرفت یک گالری به جای آن باز کند. از آنجا که او در پاریس طراحی پارچه خوانده بود و به مجموعه‌داری هنری هم علاقه داشت، به فکر راه‌انداختن یک گالری افتاد. آن زمان در ایران گالری وجود نداشت، تعداد گالری‌های شهر تهران از تعداد انگشتان یک دست هم کمتر بود. افتتاحیه گالری گلستان در سال ۱۳۶۷ با نمایش آثار سهراب سپهری، شاعر و نقاش ایرانی، همراه بود. بعد از آن به مرور نمایشگاه‌های دیگری از سایر هنرمندان ایرانی در این گالری برپا شد. این گالری با ورود به دوسالگی، کارنامه درخشانی از خود بر جای گذاشت؛ چون در معرفی هنرمندان جوان و موفق ایرانی نقش بسزایی داشته است؛ هنرمندانی چون گلنار فتحی، مرتضی دره‌یانی، سمیرا علیخانی‌زاده، گروهش سفینه‌یاب، شهرام، مصطفی دشتی و الیکا قاجار. البته کار گالری‌داری برای گلستان کار راحتی نبوده است. او طی سال‌های اخیر بارها به فشارهای بی‌شمار مواجه بوده است.

یکبار در سال ۱۳۷۸ به او اجازه نمایش آثار یک هنرمند را ندادند. گلستان هم طرحی ابتکاری به سرش زد. او در این‌باره می‌گوید: «من هم به جای نصب عکس‌ها روی دیوار، تنها قاب خالی آنها را به نشانه اعتراض روی دیوار زدم.» گلستان ضمن اشاره به لذت‌های کار گالری‌داری، از سختی‌های این کار هم یاد می‌کند: «من اصولاً زود برای مشکلات چارمسازی می‌کنم. گاهی اوقات فکر می‌کنم چرا چنین شدم. بعد به این نتیجه می‌رسم که وقتی از شوهرم جدا شدم، سه تا بچه کوچک داشتم. جنگ بود و انقلاب. شرایط سختی حاکم بود. به خاطر این سه بچه و بزرگ کردن آنها در انقلاب و جنگ، یاد گرفتم چاره‌ساز شوم.» او از لذت‌های گالری‌داری هم این‌طور یاد می‌کند: «همیشه معرفی جوان‌ها برایم لذت‌بخش بوده است. ما به جوان‌هایی که برایشان نمایشگاه می‌گذارم، یک‌جور رابطه مادر- فرزند‌ی دارم. بسیاری از آنها همچنان حق‌شناس هستند و با اینکه بعضی از آنها ایران را ترک کرده‌اند، اما گاهی اوقات تماس می‌گیرند و حالم را می‌پرسند»



عکس: مهدی حسینی، شرق

روایت «لیلی گلستان» از بیست‌ویکمین نمایشگاه «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند»

در گالری گلستان به روی جوانان باز است

فعالیت می‌کنند و همیشه خیرشان هم به هنردوستان رسیده و هم به هنرمندان جوان. این هنرمند جوان در این نمایشگاه دو اثر فروخت و من آینده خوبی برایش پیش‌بینی می‌کنم. اهل خرم‌آباد است و پر از شور برای کار.

❧ **کشف استعدادها را یکی از اهداف همیشگی گالری گلستان خوانده‌اید. گویا این دفعه هم هنرمندان شهرستانی به‌خصوص مشهدی‌ها در گالری‌تان گل کرده‌اند؟**
آثار جوانان به دلیل نوآوری و قیمت پایین‌تر، بسیار مورد استقبال قرار گرفت. همه جور کاری از آنها به فروش رسید؛ از انتزاعی تا فیکوراتیو، از کلاسیک تا مدرن. من اسمال بیش از هر سال در انتخاب آثار سختگیری کردم و واقعاً کیفیت کارها بالا بود. اسمال از آبادان، مشهد، اصفهان، شیراز، خرم‌آباد و قم در این نمایشگاه هنرمند داشتیم. اصفهانی‌ها و مشهدی‌ها بیش از همه مورد استقبال واقع شدند.

❧ **و باز هم تعدیل قیمت‌ها و ارایه آثار با قیمت‌های پایین‌تر از نرُم بازار، شعار همیشگی‌تان بود. آیا در این دوره به سطحی که دوست داشتید رسیدید؟**
قیمت‌ها مناسب بود و یکی از دلایل فروش بالا همین اسر بود. همه می‌خواهند قیمت‌های حراج‌ها را معیار قرار دهند که از نظر من درست نیست و باز باید تکرار کنم که حراج یک اتفاق است؛ اتفاقی مغتنم و لازم اما قیمت‌های حراج‌ها نباید معیار باشد. قیمت‌ها را من گذاشتم، البته با تهاجم با صاحب اثر. بعضی اوقات راحت قیمت من را می‌پذیرفتند و گاهی هم باید چانه‌زنی می‌کردم که بدترین مرحله کارم است و به‌شدت اعصاب‌خردکن. از بس حرف‌ها و اعمال غیرمنطقی می‌بینم. به‌عنوان نمونه دختر جوانی کارش را شش‌میلیون تومان گذاشته بود و وقتی با اعتراض من روبه‌رو شد، پرسید چند بگذارم و من گفتم ۸۰۰هزار تومان و به‌راحتی قبول کرد! یعنی پنج‌میلیون و ۴۰هزار تومان تخفیف داد...

❧ **خانم گلستان! ۱۰۰ اثر، ۱۰۰ هنرمند؛ هویت خاصی برای خود پیدا کرده است. اکنون این رویداد با ۲۱ دوره برگزاری کهنسال‌ترین رویداد تجسمی ایران به حساب می‌آید. آیا فکر می‌کردید به این موقعیت برسد؟**

باید بگویم «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی» که البته حلوا ی اسمال بسیار شیرین بود یا اینکه بگویم «کار نیکو کردن از پر کردن است». به‌هرحال زحمت کشیدیم، فکر و برنامه‌ریزی کردیم و البته استمرار را هم فراموش نکردیم. هر سال این نمایشگاه را برگزار می‌کنیم و باری‌به‌هرجهت نبودیم؛ چون مقوله هنر برایمان جدی است. مخاطب، هم ما و هم کار ما را جدی گرفت و این نتیجه‌ای فرخنده بود. مقوله اعتماد متقابل هم از همه مهم‌تر است. انتخاب و چیدن آثار کار آسانی نبود. من به‌تنهایی ۳۵۰ساعتی در آن روز تماشا کردم تا توانستم آثار نمایشگاه را انتخاب کنم. تحویل گرفتن، قیمت‌گذاری و چیدن هم که جای خود دارد.

❧ **چرا ۱۰۰ اثر، ۱۰۰ هنرمند؛ را تابستان ۷۱ برپا کردید آن هم در مرداد و شهریور دانی که معمولاً گالری‌های تهران در تعطیلات به‌سر می‌برند؟**
چون فضل آمدن مسافرها و فراغت بیشتر اشخاص و البته تعطیلی گالری‌های دیگر است...

❧ **و جالب‌تر اینکه حالا دیگر ۱۰۰ اثر، ۱۰۰ هنرمند، شما ۲۸ اثر از ۱۷۷ هنرمند شده است گویا در های این رویداد همچنان به روی چهره‌های جدید باز است؟**
در گالری گلستان، هم در نمایشگاه‌های انفرادی و هم در نمایشگاه ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند، همیشه به روی هنرمندان جوان، باخلاق و منضبط باز است.

❧ **به نظر می‌رسد که اگر همین‌طور جلو برویم برای دوره‌های بعدی، ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند، به گالری بسیار بزرگ‌تری نیاز داریم. آیا گالری گلستان را در مساحتی بزرگ‌تر خواهیم دید؟**
شاید هم دلمان صاف است، هم خدایمان بزرگ. تا تقدیر چه بخواهد.

پولش را باخوَرند؛ می‌گوید: «دلش صاف است و خدایش بزرگ» می‌گوید: «باید یاد بگیریم به‌هم اعتماد کنیم... رازینی و تصمیم‌سازی برای حل بسیاری از چالش‌های پیش‌روی جامعه تجسمی از پشت همان میز کوچک تحریر مدیریت آغاز می‌شود مثلاً همان روز هفت، هشت سال پیش که مرکز تجسمی دولت، اعتماد به جامعه تجسمی را از یاد برد و خواست تا قبل از همه نمایشگاه‌انها را روی سی‌دی چک کند! یا وقتی در فلان گالری را به دلیل چد عکس تخته کردند... آری ماچراها در این ۶۰ متری ۶۰ من کاغذ می‌طلبید...

❧ **این ۶۰ متری برای جامعه هنری ایران به یک برند تأثیرگذار تبدیل شده است؛ البته مثل برخی دیگر از گالری‌های امروز تهران؛ آنها در هشت سال گذشته اجازه ندادند فقدان موزه هنرهای معاصر تهران و چند مرکز تجسمی بسیار وسیع شبه دولتی به چشم بیاید. اما افسوس نبودنشان همچنان بردل است؛ مگر سرمایه‌های جامعه تجسمی ما در این ۶۰-۷۰ سال چقدر است که موزه هنرهای معاصرمان را به خواب رفته ببینیم؛ «صبا» از روزگار لوچش دور باشد و شهرداری موزه‌ای معظم برای تجسمی نساذا! حالا البته آرام‌آرام رنگ به رخساره تجسمی باز می‌گردد، خدا را شکر «علی مرادخانی» چهره آشنای جامعه هنری در مسند معاون هنری وزارت ارشاد قرار است کار را به کاردان‌ها بسپارد؛ او در دیدار از گالری گلستان این را گفته و شنیده‌ها حاکی است قول داده برای تحقق یک گالری گلستان بزرگ در گوشه حیاط پدری (که چند سال است مطبوعات درباره‌اش نوشته‌اند) کج‌سلیقه‌ی‌های برخی ادارات را برطرف کند.**

است و دختر جوان هنرمند دیگری به نام «نایری سرکیسیان» که به گفته خودش برای اولین‌بار کارهایش را در معرض دید عموم گذاشته بود. ما هر سه کار ارایه‌شده‌اش را فروختیم. مشخصه بارز کارهای او نوآوری در فرم بود و با مواد مختلف کار کرده بود. این هنرمند از این پس مورد حمایت گالری گلستان و مجموعه‌داری که از او کار خریدند قرار خواهد گرفت.

❧ **به نظر می‌رسد طبقه متوسط ایرانی که از تحصیلات دانشگاهی برخوردار است و به لحاظ در آمد موقعیت متوسط‌ر و به بالا دارد، اشتیاق جالب توجهی به هنرهای تجسمی، گالری‌گری و مشارکت در بازار هنر دارد. شاخصه‌های این گروه نوآمده به این عرصه را چه می‌دانید؟**

در این نمایشگاه همه‌جور آدمی خرید کرد. لزومی هم ندارد که حتماً تحصیلات دانشگاهی داشته باشید تا از هنر و زیبایی‌ی خوششان بیاید. از خانم و آقای سمنی که گفتند سالی یکبار اینجا می‌آیند و هر سال برای خانه‌شان یک نقاشی در حد بودجه‌شان می‌خرند تا خریدار جوانی که بپرداختش را م‌وکل به روز حقوق گرفتنش کرد یا زوج‌های جوان که برای زیباتر کردن خانه‌شان کار خریدند تا مجموعه‌دار مهمی که اول وقت آمد و ۱۲ کار از جوانان خرید، یا چند نفر گردی که دیدند گالری شلوغ است و برحسب کنجکاو ی وارد شدند و با دست پر خارج شدند. همه‌جور مخاطبی داشتیم. بنا بر این، شاخصه خاصی وجود نداشت. فقط هنردوست بودند و از زیبایی لذت می‌بردند. اسمال هم مثل هر سال ۱۲، ۱۰ کار را به‌طور اقساط فروختیم که این کار در گالری گلستان رایج است. اسمال کمتر کسی می‌پرسید «اگر این را بخرم یا آن سال دیگر گران‌تر می‌شود؟». بیشتر برای دلشان خرید کردند و اینجور خریده‌ها بیشتر به من می‌چسبدا یا شاید هم دیگر یاد گرفته‌ند و می‌دانند کاری را که می‌خرند سال دیگر گران‌تر می‌شود و دیگر سوال نکرده‌ند.

❧ **آثار جوانان به دلیل نوآوری و قیمت پایین‌تر، بسیار مورد استقبال قرار گرفت. همه جور کاری از آنها به فروش رسید؛ از انتزاعی تا فیکوراتیو، از کلاسیک تا مدرن. من اسمال بیش از هر سال در انتخاب آثار سختگیری کردم و واقعاً کیفیت کارها بالا بود. اسمال از آبادان، مشهد، اصفهان، شیراز، خرم‌آباد و قم در این نمایشگاه هنرمند داشتیم**

❧ **چندین مجموعه‌دار با ارایه بخشی از گنجینه‌هایشان با شما در این رویداد مشارکت کردند هم از فروششان بگوئید و هم اینکه آنها چه نوع آثاری از ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند؛ خریداری کردند؟**

چهار مجموعه‌دار کارهای خوبی ارایه کردند که تقریباً ۹۰درصد آثار به فروش رسید. دو نفرشان با بخشی از پولی که از فروش آثارشان به دست آوردند فقط از جوانان خرید کردند و این چرخش پول در وادی هنر بسیار لازم است.

❧ **در گفته‌های پراکنده‌ای که این روزها از شما منتشر شده، جوانان هنرمند را برنده اصلی این دوره دانسته‌اید، بیشتر کار چه دسته از هنرمندان جوان به فروش رسیده و چرا آثارشان با اقبال خوب بازار مواجه می‌شود؟**

اسمال ۷۰درصد فروش ما از آثار جوانان بود. هم جوانان هنرمندی که سال‌هاست با گالری گلستان همکاری می‌کنند و وفادار به ما باقی م‌لدن‌اند و هم چند جوان تازه‌کار که یکی از آنها، کیوان برونوآند، است، که می‌گوید تکنیک مجسمه‌سازی را از اینترنت یاد گرفته (حالا بگوئید اینترنت بدآموزی دارد!) آنقدر تمرین کرده که بالاخره موفق شده و الان تحت حمایت آقای اتنلوی است که حسابی دارند در جهت آموزش و حمایت جوانان

این ۶۰ متری

به تماشای آثار هنری می‌روند که سلیقه لیلی خانم گلستان است؛ عده‌ای برای مشورت و پرسیدن راه و چاه می‌روند و از شما چه پنهان، بیشتری‌ها برای شنیدن حرف‌های مثبت و انرژی گرفتن از بانویی که تلخی بسیار دیده اما طعم نگاهش شیرین است.

❧ **اگر امروز به گالری گلستان رنگ بزنید و وقت نمایشگاه بخواهید باید روی سال ۹۴ حساب باز کنید؛ ۱۸ ماهی آن پر است. این در حالی است که این گالری جمعه به جمعه نو می‌شود و در این ریتم تند نمایشگاه‌ها هنرمندان از چهار نسل در صفند زیرا احتما می‌اندیشند روی این دیوار بهتر دیده می‌شوند... در گالری گلستان به روی هر سلیقه هنری باز است از کلاسیک و سنتی گرفته تا معاصر؛ اما شرط آن است که به سلیقه خانم گلستان بیایید. سال گذشته که هنرمندان زیر ۲۵سال دوساله نقاشی دامن‌وفر از ۲۵سال گالری‌داری ایشان تجلیل کردند، معلوم شد نیمی از نمایشگاه‌های سال‌های اخیر این گالری قدیمی پایتخت به معرفی جوانان اختصاص یافته که برای نخستین‌بار آثارشان را ارایه می‌دهند... سسقف گالری گستان کوتاه است و قیمت‌ها در اینجا کوتاه می‌آیند، ازاین‌رو است که برخی خریداران نوظهور و جوان کار خود را از اینجا شروع می‌کنند، خانم گلستان همه‌جوره هوای آنها را دارد حتی قسطی کار می‌فرشد، واهم‌های هم ندارد**

«۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» برای جامعه تجسمی ایران یک رویداد منحصر به‌فرد است، هم از حیث استمرار سال‌های برپایی‌اش، هم شمار بسیار هنرمندان حاضر در آن. اما شاید از هر دوی اینها جالب‌تر موعد

برگزاری‌اش است. همه‌ساله در داغ‌ترین روزهای سال، در دل تابستان، روزهایی که اغلب گالری‌های تهران به تعطیلات می‌روند؛ بیست‌ویکمین دوره ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند، در حالی از ۱۵ شهریور تا چهارم مهرماه روی دیوار گالری گلستان رفت که ۲۸۰ اثر از ۱۷۷ هنرمند را به معرض تماشا و فروش گذاشت؛ این رویداد با ر کوردی باورنکردنی همراه شد: فروش ۹۸ نقاشی و ۱۴ مجسمه در مجموع به قیمت ۶۲۵میلیون تومان. همه این موفله‌های شایان توجه گالری گلستان و مدیر فرهیخته‌اش لیلی گلستان را به نظر مکرل اخبار رسانه‌ها تبدیل کرد تا آن‌سان که «علی مرادخانی» معاون هنری تازه‌آمده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به دیدار از این رویداد موفق واداشت. لیلی گلستان دیدگاه‌ها، تحلیل‌ها و خاطرات شیرینی از روزهای برگزاری این اتفاق هنری دارد که با شما در میان می‌گذارد.

❧ **خانم گلستان طبیعی است اولین سوال این باشد که به نظر شما این موفقیت تحسین‌برانگیز به چه دلایلی رخ داد؟**
دلیل این فروش فوق‌العاده، کیفیت بالای آثار و قیمت مناسب و اطلاع‌رسانی درست بود. در این نمایشگاه ۷۰درصد خریداران برای اولین‌بار به گالری من می‌آمدند. خب بسیاری از این اشخاص راهنمایی می‌خواستند و با مشورت من کارها را خریدند. یک‌جور رابطه دوستانه و پر از اعتماد برقرار شد که برای من بسیار خوشایند بود. یک دسته هم هستند که فقط سالی یکبار به گالری می‌آیند، چون می‌دانند در این نمایشگاه برای هر سلیقه و برای هر جیبی کار پیدا می‌شود. دکوراتورها هم جزو خریداران پرویا قرص این نمایش‌گنند.

❧ **رقم نهایی فروش چقدر شد؟ در مجموع چند اثر نقاشی و مجسمه به‌فروش رسید؟**

در لحظه آخر که کارها را داشتیم جمع می‌کردیم و تحویل می‌دادیم دو نفر خریدار آمدند و هر کدام چهار، پنج نقاشی خریدند و هنرمندانی که آمده بودند کارشان را پس بگیرند چکشان را گرفتند. در نهایت رقم نهایی به ۶۳۵میلیون رسید که در نهایت ۱۴ مجسمه و ۹۸ نقاشی به فروش رسید.

❧ **گفتید که فروش اسمال رکورد ۱۰۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند؛ طی این سال‌ها بوده. احتمالاً برای خوانندگان جذاب است که بدانند در یکی، دو سال گذشته میزان فروش چقدر بوده است؟**

فروش سال ۹۱ اگر لحاظ‌گم یاری کند حدود ۲۰۰میلیون بود. که فکر می‌کردیم بدجوری نوی گل زده‌ایم! غافل از اینکه مقرر شده بود دروازه سال ۹۲ گلباران شود!

❧ **رکورد دیگری این دوره ارایه ۲۸ اثر در طی ۹۱ روز روی دیوار گالری گلستان بود. در این‌باره برایمان بگوئید؟**

درواقع هیچ‌وقت این نمایشگاه با صد اثر برگزار نشد و همیشه بیشتر بود. حتی اولین‌بار با ۱۲۰ اثر بر گزار شد. اسمش را به‌صورت نامداین ۱۰۰ اثر گذاشتمیم. به‌مرحال اسم خوش‌یمنی بود. اسمال شنب اول ۱۷۷ اثر ارایه شده؛ ام از نقاشی و مجسمه که تعداد مجسمه‌های اسمال بیش از هر سال بود و بیش از هر سال هم مجسمه فروختیم. در اینجا باید بگویم که خرید مجسمه خیلی رایج نیست و هنوز به با فروش بالای اسمال، به اندازه مطلوب نرسیده. اما همین که در این نمایشگاه ۱۴ مجسمه فروش رفت، رکورد خوبی است. بیشترین فروش مجسمه از آن «دلبر شهباز» بود که هنرمند شناخته‌شده‌ای

دیگر ۲۶سال است نام‌های بزرگی به جامعه تجسمی ایران معرفی شده‌اند که آواره برخی‌شان از مرزهای ایران هم گذشته است. چرا‌ه دور برویم؟ تا همین هفته پیش، رویداد تابستانه‌اش ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» را بر دیوار داشت که ۲۱سال است بدون وقفه آن را برپا می‌کند که از حیث قدمت و استمرار، به بسیاری جشنوار‌های عرض و طویل دولتی تنه می‌زند؛ رویدادی که سال‌هاست از اسمش هم سبقت گرفته در این دوره ۱۰۰ اثر از ۱۷۷ هنرمند را میزبانی کرد؛ خیلی‌ها انگشت به دهان شدند وقتی شنیدند ۱۱۲ اثر را ۳۵میلیون تومان فروخت؛ یعنی به طور میانگین هر اثر هنری حدود ۵۵۵میلیون تومان و برای ۳۵روز برپایی یعنی هر روز بیش از ۱۸میلیون تومان فروش که نویدی مجدد بر تثبیت بازار نوس داخلی هنر ایران است.

❧ **وقتی کار دست کاردان باشد یک فضای ۶۰متری هم می‌تواند قالب تپنده یک جامعه باشد؛ حتی اگر مدیرش اتاق مدیریت نداشته باشد و به همه اموراتش پشت یک میز تحریر کوچک برسد، حتی اگر در کوچه پس‌کوچه‌های دروس راه دسترسی به گالری سخت باشد و هر غروب جمعه، ترافیک همه خیابان‌های اطرافش قفل، اما همیشه چراغ آن ۶۰ متری به حضور مردم روشن است عده‌ای**



حسین عبد‌الهاشم‌پور

دیگر ۲۶سال است نام‌های بزرگی به جامعه تجسمی ایران معرفی شده‌اند که آواره برخی‌شان از مرزهای ایران هم گذشته است. چرا‌ه دور برویم؟ تا همین هفته پیش، رویداد تابستانه‌اش ۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند» را بر دیوار داشت که ۲۱سال است بدون وقفه آن را برپا می‌کند که از حیث قدمت و استمرار، به بسیاری جشنوار‌های عرض و طویل دولتی تنه می‌زند؛ رویدادی که سال‌هاست از اسمش هم سبقت گرفته در این دوره ۱۰۰ اثر از ۱۷۷ هنرمند را میزبانی کرد؛ خیلی‌ها انگشت به دهان شدند وقتی شنیدند ۱۱۲ اثر را ۳۵میلیون تومان فروخت؛ یعنی به طور میانگین هر اثر هنری حدود ۵۵۵میلیون تومان و برای ۳۵روز برپایی یعنی هر روز بیش از ۱۸میلیون تومان فروش که نویدی مجدد بر تثبیت بازار نوس داخلی هنر ایران است.

❧ **وقتی کار دست کاردان باشد یک فضای ۶۰متری هم می‌تواند قالب تپنده یک جامعه باشد؛ حتی اگر مدیرش اتاق مدیریت نداشته باشد و به همه اموراتش پشت یک میز تحریر کوچک برسد، حتی اگر در کوچه پس‌کوچه‌های دروس راه دسترسی به گالری سخت باشد و هر غروب جمعه، ترافیک همه خیابان‌های اطرافش قفل، اما همیشه چراغ آن ۶۰ متری به حضور مردم روشن است عده‌ای**